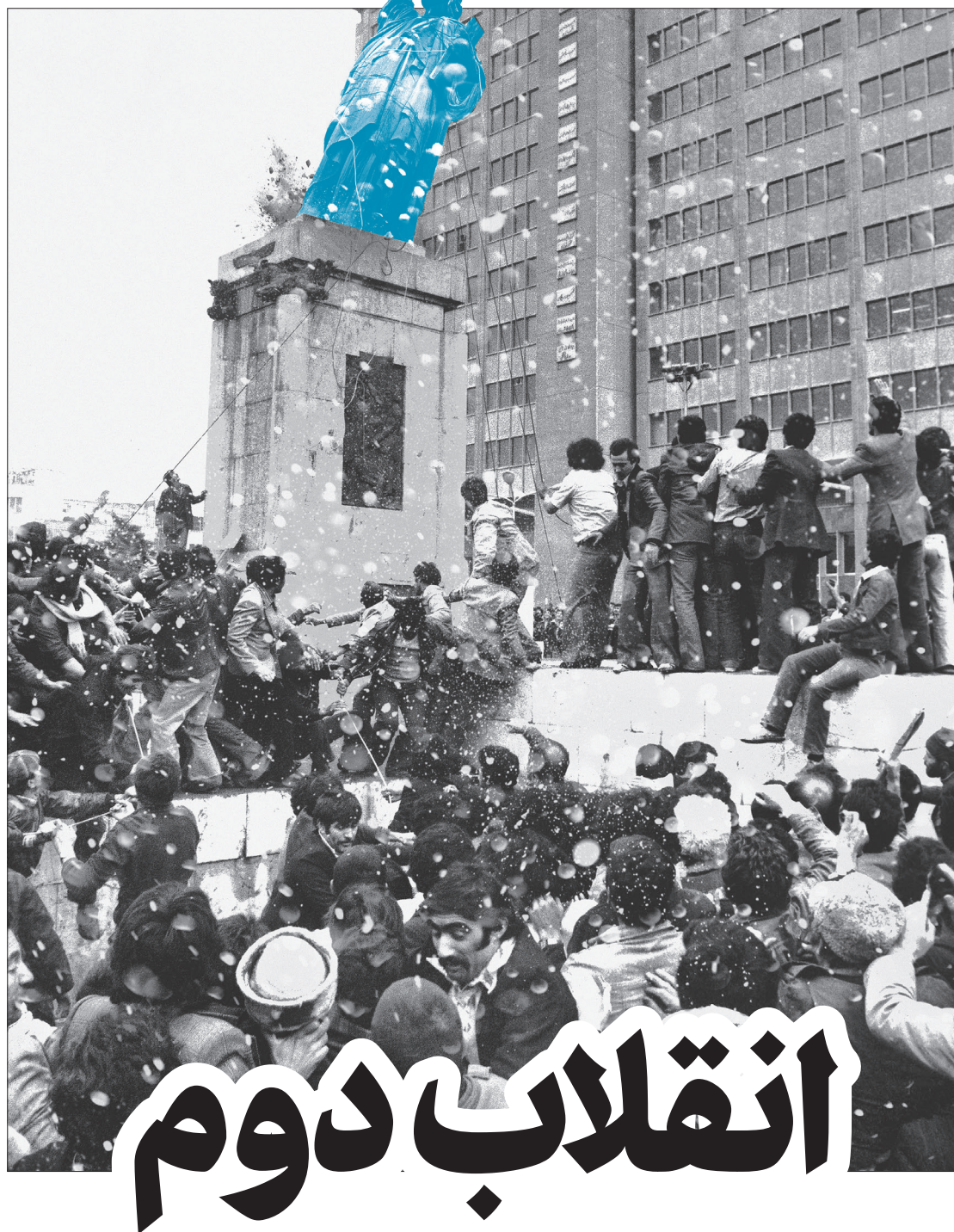


دیدارنامه

• ویژه‌نامه‌ی دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان در آستانه ۱۳ آبان •

• ۱۲ آبان ماه ۱۳۹۸ •

• شماره ۲۴ •



دیدارنامه

- ویژه نامه‌ی دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان در آستانه ۱۳ آبان
- ۱۳ آبان ماه ۱۳۹۸
- شماره ۲۴

✦ دیدارنامه، یادبود مکتوبی است که دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به شرکت‌کنندگان در دیدارهای رهبر انقلاب اسلامی اهدا می‌کند.

اینستاگرام و دیگر شبکه‌های اجتماعی: @khamenei.ir

تلفن: ۰۲۱-۶۱۰۴۱۰۷

پست الکترونیک:

info@khamenei.ir

پیامک: ۱۰۰۰۰۰۱۰ ✉

- درسی از قرآن

قرآن با استکبار مخالفت می‌کند

ما احتیاج داریم به قرآن؛ این قرآن نیاز امروز ما است؛ نه فقط ما ملت ایران، جامعه‌ی اسلامی بلکه جامعه‌ی بشری، امروز واقعاً به قرآن نیاز دارند. قرآن است که با استکبار مخالفت می‌کند، قرآن است که با ظلم صریحاً مخالفت می‌کند، قرآن است که با کفر بالله صریحاً مقابله می‌کند، قرآن است که با طغیان و طاغوت با قدرت مقابله می‌کند: الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ؛^(۱) این لحن قرآن چه قوی است! اینها همین گرفتاری‌های امروز بشر است. اینهایی که می‌بینید عربده می‌کشند در موضع ریاست جمهوری فلان کشور یا پادشاهی فلان کشور علیه ملت‌ها، علیه مردم، علیه صلح، علیه آرامش، علیه ثبات حکومت‌ها و کشورها، همانهایی هستند که قرآن بر سر آنها داد کشیده؛ این را باید مردم بفهمند. اینکه قرآن به ما [میگوید]: وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَعَتَمَ سَكُّمُ النَّارِ؛^(۲) اعتماد نکنید به ظالمین، این همین گرفتاری امروز مردم دنیا است. اعتماد می‌کنند، پدرشان درمی‌آید.

درمی‌آید. • ۱۳۹۸/۰۲/۱۶

(۱) سوره نساء، آیه ۷۶

(۲) سوره هود، آیه ۱۱۳

سرآغاز

مروری بر بیانات حضرت امام خمینی رحمه الله در جمع دانشجویان مسلمان خط امام در تاریخ ۱۲ آبان ۵۹ درباره ماجرای تسخیر لانه جاسوسی

شکستن بت ترس وارعاب

این معنا که یکی برود در سفارت امریکا و یک تعزّضی بکند به سفارت امریکا، در سابق و در زمان رژیم سابق، جزء تخیلات و شعرها به نظر می‌آمد. چطور امکان دارد که ملتی که هیچی ندارد، جوانهایی که دستشان چیزی نیست، بروند و سفارت امریکا را یک تعزّضی به آن بکنند؛ یک سنگی حتی بیندازند؟! اگر یک همچو چیزی بشود، اصلاً ملت و دولت ایران به باد فنا خواهد رفت! اینها چیزهایی بود که با شیطنت و تبلیغات تو مغز مردم کرده بودند و مردم را از آن قدرت ملی و انسانی و اسلامی که داشتند غافل کرده بودند.

ما دیدیم که جوانهای ما به

واسطه آن همه ناراحتیهایی که ملت ما از این قدرت فاسد کشیده بود، عکس العمل نشان دادند و رفتند و ریختند و آن اعضای آنجا را گرفتند و اینها، و هیچ آسمان به زمین نیامد. ویژگی این عمل این بود که این قدرت امریکا و این اربابی که کرده بودند اینها که اگر یک تعرّضی بشود به دیوار سفارت امریکا، کسی یک خطی بکشد، چه ها خواهد شد، این از بین رفت. شما جوانها که رفتید و آنجا را گرفتید، و بعد هم به همه معلوم شد که اینها اصلش یک افرادی نبودند که راجع به یک سفارتخانه متعارف باشند، اینها مرکز یک توطئه ای بودند که در همه شئون کشور ما، بلکه منطقه دخالت می کردند و دولتهای سابق دانسته یا ندانسته از آنها باید تبعیت بکند و هرکاری که می خواهد انجام بدهد باید با مشورت اینها باشد. چنانچه خود محمد رضا گفت که لیست وکلا از سفارت می آمد و ما باید این لیست را همان طوری که آنها نوشتند، عمل بکنیم. این خدمتی که این جوانها کردند و رفتند و شکستند و گرفتند آنجا را و آن افراد فاسد را نگه داشتند، این یک مطلبی بود که آن واژه هایی که در ذهن مردم بود، در ذهن ملتها بود، در ذهن دولتها بود و آن

هیولایی که نشان داده بودند آنها از قدرتهای بزرگ، آن را شکستند. این یک مطلبی است که اگر ملت ما هم دنبال او هر جور زحمتی به خودش راه بدهد، هر جور گرفتاری و تنگنایی که برایش پیش بیاید، ارزش دارد. ارزش این عمل به این نیست که ما شکمان یک وقتی گرسنه می ماند یا - مثلاً - راه وقتی بخواهیم برویم، با اتومبیل نمی توانیم برویم، از باب اینکه نداریم چیزی؛ ارزش این به اینها نیست. ارزش این در عالم به این است که شما یک بتی که درست کرده بودند اینها که، بت بزرگی که همه ممالک را گرفته بود، شکستید. این یک جنبه سیاسی داشت که، ارزش سیاسی داشت که همه ارزشها پیش او کوچکند.

اینهایی که خیال می کنند که به واسطه اعمال اینها، ما در تنگنا واقع شدیم، اشتباه می کنند، در عین حالی که سوء نیت ندارند. البته یک دسته هایی هستند که شما را هم امریکایی می دانند! پاسدارهای ما را هم می گویند، مرتجعند، امریکایی اند. اینها، این دسته ها بیچاره اند، بدبختند اینها. اما بعضی از اشخاصی که خوب، دلسوز هم هستند برای کشور ما و برای کشور خودشان و مخالف هم هستند با همه ارگانهای خارجی و اجانب، لکن آنها هم تحت تاثیر همان تبلیغات واقع شده اند و گمان می کردند که اگر بزودی فوراً ما تقدیم نکنیم این جاسوسها را به امریکا و یک عذرخواهی هم نکنیم، چه ها و چه ها خواهد شد. ارزش این عمل این است که این اشتباهات را رفع کرد. شما الآن یک سال است که این جاسوسها را، این توطئه گرها را، این مجرمها را در آنجا حبس کردید و خبری هم نشد؛ نه بازارمان خوابید و نه اقتصادمان به هم خورد و اینها. بعد هم هرکاری آنها خواستند، هی کردند و هی ترساندند و هی عمل مذبحانه کردند و ما دیدیم که یک سال از این امر گذشت و هم بازارهای ما سر جای خودش هست و هم کشاورزی ما سر جای خودش هست و هم چیزهای دیگرمان؛ هیچ چیز نخواهد، هیچ مطلبی نشد. ارزش این است، ارزش این عمل این است که شکسته شد آن بت بزرگی که برای ملتها تراشیده بودند.



ارزش این در عالم به این است که شما یک بتی که درست کرده بودند اینها که، بت بزرگی که همه ممالک را گرفته بود، شکستید. این یک جنبه سیاسی داشت که، ارزش سیاسی داشت که همه ارزشها پیش او کوچکند.

چرا حضرت امام خمینی علیه السلام قاطعانه از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا حمایت کردند؟

انقلاب دوم



تسخیر سفارت آمریکا در تهران در سال ۱۳۵۸ توسط دانشجویان مسلمان یکی از وقایع مهم و سرنوشت ساز در تاریخ ملت ایران و انقلاب اسلامی است؛ حادثه‌ای که برآمده از زمینه‌های تاریخی خاص خود بود و با حمایت قاطع حضرت امام خمینی علیه السلام و توده‌های ملت ایران روبه‌رو شد. در یادداشت زیر ابعاد و اثرات این موضوع و چرایی «انقلاب دوم» نامیده شدن آن از سوی حضرت امام علیه السلام را براساس بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی بررسی می‌کنیم.

❖ حقیقتی که امام خمینی علیه السلام به آن پی برده بود

حضرت امام خمینی علیه السلام پس از واقعه‌ی تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان مسلمان، این حرکت را «انقلاب دوم» نامیدند: «اینکه شنیدید امام این حرکت را انقلاب دوم نامیدند، بی‌معنا نیست.» • ۱۳۹۵/۸/۱۲ و «امام یک جوان نبود که شما بگویید (احساساتی شد و حرفی زد.) امام، آن پیر حکمت و مرد حکیم دنیادیده‌ی مجرب، با دید نافذ خود، آن طور از حرکت دانشجویان در آن روز تجلیل کرد. پس امام، به حقیقتی پی برده بود که این را گفت.» • ۱۳۷۲/۸/۱۲ اما چرا حضرت امام علیه السلام این قدر قاطعانه از این حرکت حمایت کرده و آن را انقلاب دوم نامیدند؟ در تبیین این موضوع به چند محوری می‌توان اشاره کرد:

۱ انقلاب ضد آمریکایی

اعتراض به سلطه‌گری دولت مستکبر آمریکا در ایران موضوعی نبود که صرفاً پس از پیروزی انقلاب اسلامی مورد توجه و تأکید امام علیه السلام قرار گرفته باشد، بلکه در کنار مقابله با استبداد، مبارزه با استعمار و مشخصاً نفوذ و دخالت آمریکایی‌ها از ابتدای نهضت از سوی ایشان پیگیری می‌شد: «از سال ۱۳۴۱ مبارزه‌ای همه‌گیر در ایران شروع شد. قبلاً هم مبارزه بود؛ اقصافی و کوچک بود... از سال ۱۳۴۱ تا سال ۱۳۵۷ - یعنی شانزده سال - این مبارزه ادامه داشت تا به پیروزی رسید. عزیزان من! این مبارزه‌ی شانزده ساله اگرچه ظاهراً مبارزه با رژیم شاه محسوب میشد - چون اساساً رژیم شاه را آمریکایی‌ها در سال سی و دو بر سر کار آورده بودند و آنها پشتیبان‌اش میکردند - اما در واقع یک مبارزه‌ی ضد آمریکایی بود. آنها همه‌کاره‌ی این کشور بودند. آنها به شاه قدرت بخشیده بودند. آنها پشتوانه بودند که او بتواند مردم را آن‌طور قتل عام و شکنجه کند.» • ۱۳۷۳/۸/۱۱ در واقع اساساً دستگیری و تبعید امام خمینی علیه السلام در ۱۳ آبان سال ۱۳۴۳ به دلیل اعتراض ایشان به طرح «کاپیتولاسیون و مصونیت آمریکایی‌ها» بود: «امام عزیز ما، آن مردیگانه‌ی تاریخ ما، در مقابل طرح کاپیتولاسیون و مصونیت آمریکایی‌ها - که آن روز در ایران همه‌کاره بودند - ایستاد و

به‌خاطر این اعتراض، روز ۱۳ آبان با حال غربت و تنهایی، به‌وسیله‌ی مزدوران آمریکا از ایران تبعید شد... پس، وقتی در سال پنجاه و هفت مبارزه پیروز شد و انقلاب پیروزمند به ثمر رسید، در حقیقت یک انقلاب ضد آمریکایی به ثمر رسیده بود.» • ۱۳۹۵/۸/۱۱

۲ دشمنی و توطئه‌گری آمریکا برای نابودی انقلاب اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی و علی‌رغم وجود سابقه‌ای ا فاجعه بار از حضور و دخالت آمریکایی‌ها در ایران و ظلم مستمر آنها به ملت، انقلاب، پیشگام برخورد با آنها نشد: «ما شروع‌کننده نبوده ایم؛ اولی انقلاب، آمریکایی‌هایی که دستگیر شده بودند، چند روزی نگه داشته شده بودند، امام فرمود با کمال مراقبت بروند به محل خودشان، سفارت خودشان؛ تا قبل از اینکه مسئله‌ی تسخیر سفارت پیش بیاید [آمریکایی‌ها] در کمال امنیت اینجا زندگی میکردند؛ راحت

بود... حتی یک ریالش را به مردم ایران ندادند و نگه داشتند.» (۱۳۷۳/۸/۱۱) •

۳ خطر بازتولید وابستگی و سلطه‌گری

یکی از شگردهای استکبار جهانی برای کنترل و سپس هضم انقلاب‌ها در هاضمه‌ی خود «نفوذ» و سپس بازتولید «وابستگی و استعمار» است: «اگر به تاریخ سی، چهل سال اخیر نگاه کنید، کشورهای انقلاب کرده [را می‌بینید که به رژیم آمریکایی وابسته شدند. از چه راهی؟ یا از راه مرعوب کردن، یا تطمیع کردن، یا محتاج کردن و یا فشار وارد آوردن. انواع فشارها را روی این کشورها و ملت‌های مستقل وارد می‌کردند. آنها هم رابطه را بکلی قطع نکرده بودند. سفیر هم بود، مسئولین آمریکایی هم بودند. و سوسه می‌کردند، می‌رفتند، می‌آمدند و حتی دل‌رهران انقلابها و رهبران ملت‌ها را خالی می‌کردند. آنها را می‌ترساندند، مرعوبشان می‌کردند، و کسی که مرعوب شد، با اندک تشری می‌شود او را از میدان خارج کرد. این سرنوشت اگر نگوییم همه، اغلب انقلابها است. آنچه که ما از نزدیک دیدیم، آنچه در خبرهای هم‌زمان در دنیا خواندیم یا چه قبل از انقلاب، چه دنباله‌هایش هم، بعضی در بعد از انقلاب دیدیم، همین بود. عامل این برگشتن چه بود؟ این بود که آن پیوند تحمیلی میان قدرت فائده‌ی حکومت متجاوز و مستبد آمریکا با این کشورها، منقطع نشده بود.» (۱۳۷۲/۸/۱۲) •

◆ انقلاب دوم

با در نظر گرفتن این سه محور، به چرایی حمایت قاطعانه‌ی حضرت امام (ع) از حرکت تسخیر لانه‌ی جاسوسی و «انقلاب دوم» نامیدن آن، بهتر می‌توان پی برد. حرکت تسخیر لانه‌ی جاسوسی اولاً در ادامه‌ی خط ضد استعماری و ضد استکباری نهضت امام خمینی (ع) بود: «امام را از خانه‌اش ریوند و در غربت کامل، او را در روز ۱۳ آبان سال ۴۳ از ایران تبعید کردند. پانزده سال بعد - پانزده سال، زمان زیادی نیست؛ مثل برق می‌گذرد - فرزندان امام، یعنی جوانان انقلابی دانشجوی، در روز ۱۳ آبان رفتند لانه‌ی جاسوسی آمریکا در تهران را تسخیر کردند؛ آمریکا را از ایران تبعید کردند.» (۱۳۹۵/۸/۱۱) • ثانیاً امکان پیشبرد توطئه‌های دولت آمریکا برای از بین بردن انقلاب اسلامی را منتفی ساخت: «حرکت دانشجویان برای تسخیر سفارت، واکنش به این همه خیانت بود که پیروزمندانه اتفاق افتاد.»

• (۱۳۹۵/۸/۱۲) و ثالثاً آخرین رشته‌ی ارتباط بین انقلاب و آمریکا را قطع کرد: «قضیه‌ی لانه‌ی جاسوسی، این آخرین رشته‌ی ارتباط ممکن را بین انقلاب و آمریکا برید و قطع کرد. این، خدمت بزرگ و ذی‌قیمت را به انقلاب ما کرد.» (۱۳۷۲/۸/۱۲) • نکته‌ی آخر اینکه علی‌رغم این مبارزه‌ی تاریخی و پرثمر ملت علیه دولت مستکبر و سلطه‌گر آمریکا، دشمن از نفوذ مجدد و بازسازی سلطه‌گری خود ناامید نیست: «با نظام اسلامی دشمن است و می‌خواهد همان وضع قبلی برقرار باشد. می‌گویند که پنجره‌ها را باز کنید... بنده گفتم بله، پنجره‌ها را بگشایید که ما را که از در بیرون کرده‌اید داخل بیاوریم؛ پنجره‌ها را باز کنید که ما بتوانیم راحت داخل بیاوریم.» (۱۳۹۴/۵/۱۲) • موضوعی که هوشیاری بیش از پیش مردم و مسئولان را ضروری می‌سازد.

میرفتند، می‌آمدند؛ و البته بدجنسی می‌کردند. ما شروع نکردیم، آنها شروع کردند؛ آنها از همان اول شروع کردند.» (۱۳۹۵/۳/۲۵) • در طرف مقابل اما تلاش آمریکایی‌ها ابتدا متمرکز بر جلوگیری از پیروزی انقلاب اسلامی بود: «آمریکایی‌ها چند روز قبل از پیروزی انقلاب، آدم فرستادند اینجا که شاید بتوانند یک کودتایی راه بیندازند و حرکت مردم را خنثی کنند که البته نتوانستند.» (۱۳۹۵/۸/۱۲) • و پس از پیروزی انقلاب نیز دولت آمریکا توطئه‌های خود برای نابودی انقلاب نوپای اسلامی را با شدت تمام دنبال کرد. سفارت آمریکا در تهران به مرکز توطئه برای براندازی انقلاب ملت ایران تبدیل شده بود: «[آمریکایی‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی] رفتار شدیداً خصمانه‌ای در پیش گرفتند. این سفارتی که بعد به عنوان لانه‌ی جاسوسی معرفی شد - که واقعش نیز همین بود - به مرکز سازماندهی مخالفین و دشمنان انقلاب تبدیل شد که بروند آنجا دستور بگیرند و در بیرون، علیه انقلاب و نظام اسلامی همکاری کنند. آنها درس‌های آمریکا، علیه انقلاب و نظام جمهوری اسلامی مصوبه‌ها می‌گذراندند. تبلیغات آمریکایی در سراسر دنیا، تبلیغات به شدت خصمانه‌ای علیه انقلاب و مردم بود که انجام میشد... محمدرضا را که فراری ملت ایران بود، در آمریکا پذیرفتند و به عنوان یک میهمان پناه دادند. اموالی که در اختیار محمدرضا قرار داشت، بالغ بر میلیاردها دلار میشد که در آمریکا سرمایه‌گذاری کرده

نگاهی به اقدامات خصمانه دولت آمریکا علیه ملت ایران در طول سال های متمادی

نیم قرن توطئه و دشمنی

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانش آموزان و دانشجویان در تاریخ ۱۳۹۵/۸/۱۲ با اشاره به توصیف «انقلاب دوم» از سوی امام خمینی علیه السلام برای واقعه ی «تسخیر لانه ی جاسوسی آمریکا» فرمودند: «این توصیف و نامگذاری به دلیل توطئه ها و خبثات های آمریکا در قبل و بعد از انقلاب، ضد ملت ایران بود؛ زیرا دولت آمریکا از هیچ تلاش و اقدام رسمی و غیر رسمی برای به شکست کشاندن انقلاب اسلامی فروگذار نمی کرد و جوانان انقلابی، در آن زمان، با تسخیر لانه ی جاسوسی، توطئه ی او را خنثی کردند.» حضرت آیت الله خامنه ای این واقعه را به عنوان واکنشی طبیعی به «سال ها توطئه و دشمنی آمریکا علیه ایران و چپاول منابع ملت ایران» دانستند. در گزارش پیش رو به بازخوانی توطئه ها و دشمنی های دولت آمریکا علیه ملت ایران و انقلاب اسلامی پرداخته ایم.

از کودتا تا گشتار مردم

موضوع دخالت های دولت آمریکا در ایران و نگاه خصمانه و زورگویانه اش نسبت به مردم ایران یکی از موضوعات چالش برانگیز و مهم تاریخ معاصر ما است. به روایت رهبر معظم انقلاب، دشمنی آمریکایی ها با ملت ایران از سال های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شد. کودتای آمریکایی علیه دکتر مصدق آغاز مبارزه ی تاریخی مردم ایران علیه سلطه طلبی دولت آمریکا بود:

«مبارزه از قبل از سال ۴۳ شروع شد؛ یعنی از سال ۳۲ با کودتای ۲۸ مرداد که به وسیله ی آمریکائی ها در ایران انجام گرفت و حکومت دکتر مصدق را سرنگون کردند. مأموران آمریکائی رسماً آمدند ایران، با چمدانهای پر از دلار، الواط و اوباش و اراذل و بعضی از سیاستمداران خود فروخته را تطمیع کردند و کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ را در اینجا راه انداختند و حکومت مصدق را سرنگون کردند. جالب این است که بدانید حکومت مصدق که به وسیله ی آمریکائی ها سرنگون شد، هیچگونه خصومتی با آمریکائی ها نداشت.» • ۱۳۹۱/۸/۱۰

هرچند مصدق با کودتایی آمریکایی از قدرت حذف شد و دیکتاتوری برآمده از کودتا به تأمین منافع دولت آمریکا همت گماشت اما دخالت مستکبرانه ی آمریکایی ها در ایران پایان نیافت. با آغاز نهضت امام خمینی علیه السلام و وقوع قیام پانزده خرداد و شدت گرفتن اعتراضات مردم به

رهبری امام علیه السلام علیه حکومت پهلوی و دخالت بیگانگان، باز هم آمریکایی ها علیه ملت ایران دست به توطئه زدند: «حادثه ی قیام مردم در پانزده خرداد و انقلاب اسلامی و مبارزات اسلامی و نهضت اسلامی پیش آمد... اینجاست که طرف قضیه اگرچه حکومت ظالم طاغوت و حکومت پهلوی بود، اما آمریکائی ها پشت سر این حکومت قرار داشتند؛ آنها بودند که آن را تقویت میکردند و به وسیله ی او بر همه ی امور کشور ما مسلط شده بودند. این مبارزه ادامه پیدا کرد تا سال ۴۳؛ آمریکائی ها ناگزیر شدند مستقیماً داخل مسائل بشوند. امام بزرگوار را در سال ۴۳ تبعید کردند.» • ۱۳۹۱/۸/۱۰

در طول سالیانی که دیکتاتوری پهلوی بر ایران حاکم بود آمریکایی ها به عنوان «عقبه» ی این حکومت ایفای نقش کرده و غارت و چپاول گری کردند: «بعد از سال ۴۳ که حکومت مطلقه ی محمدرضا پهلوی به پشتیبانی آمریکائی ها در کشور هزاران فاجعه آفرید و آمریکائی ها هم هرچه توانستند، به غارت و چپاول و توسعه طلبی و تجاوز در ایران ادامه دادند؛ ده ها هزار مستشارشان در ایران بردند، خوردند، پول گرفتند، شکنجه تعلیم دادند، هزاران جنایت در ایران کردند.» • ۱۳۹۱/۸/۱۰

در روزهای پُرتب و تاب انقلاب نیز مَهره های دولت آمریکا مستقیماً در کنار عوامل حکومت پهلوی قرار گرفتند

هرچند محمدرضا پهلوی به عنوان مهم‌ترین تأمین‌کننده‌ی منافع آمریکایی‌ها در ایران، سقوط کرده و فراری شده بود، اما این نقطه‌ی پایان خصومت‌گری دولت آمریکا علیه ملت ایران نبود:

«[آمریکایی‌ها] محمدرضا را که فراری ملت ایران بود، در آمریکا پذیرفتند و به عنوان یک میهمان پناه دادند. اموالی که در اختیار محمدرضا قرار داشت، بالغ بر میلیارد‌ها دلار می‌شد که در آمریکا سرمایه‌گذاری کرده بود. در همه جای دنیا معمول است وقتی یک نفر که در رأس رژیمی قرار دارد، سرنگون شد، اموال شخصی‌اش که از آن مردم و دولت جدید بر سر کار آمده است، به آن دولت برگردانده می‌شود... هیچ‌جا سابقه ندارد که آن همه ثروت را که متعلق به ملت ایران بود، در حساب‌های محمدرضا و کسانش در آمریکا نگه دارند. حتی یک ریالش را به مردم ایران ندادند و نگه داشتند.» • ۱۳۷۳/۸/۱۱

✦ «تحریک مخالفان و کمک به حرکت‌های تجزیه‌طلبانه» در گوشه و کنار کشور، اولین اقدام خصمانه‌ی آمریکایی‌ها علیه انقلاب اسلامی بود:

تا به هر شکلی شده نهضت اسلامی و ضد استکباری مردم را سرکوب کنند:

«در هشتم بهمن، یعنی چند روز قبل از ورود امام به داخل کشور، در همین خیابانهای تهران، همین خیابان انقلاب، مردم اجتماع کرده بودند؛ ژنرال هایزر که فرستاده‌ی آمریکا بود و به ایران آمد برای اینکه شاید بتواند یک جوری از دست انقلاب رژیم را نجات بدهد و حفظ بکند، او در خاطرات خودش مینویسد - اینها اسناد تاریخی است - و میگوید من به ژنرال قره‌باغی گفتم که در مواجهه‌ی با مردم لوله‌ی تفنگ‌هایتان را پایین بیاورید؛ یعنی مردم را بکشید، تیر هوایی بیخودی در نکنید، مردم را قتل عام کنید. اینها هم همین کار را کردند، لوله‌ی تفنگ‌ها را پایین آوردند، عده‌ای جوان و نوجوان کشته شدند ولی جمعیت عقب نرفت. هایزر میگوید؛ قره‌باغی بعد آمد به من گفت که این تدبیر تو فایده‌ای نکرد، مردم عقب نرفتند، آن وقت هایزر میگوید من دیدم این ژنرال‌های شاه چقدر کودکانه فکر میکنند؛ یعنی باید ادامه میدادند، باید مرتب میگشتند.» • ۱۳۹۴/۸/۱۲

اما علی‌رغم همه‌ی توطئه‌ها و جنایت‌های حکومت پهلوی و دولت آمریکا، انقلاب اسلامی ملت ایران به ثمر نشست.

✦ از سازماندهی مخالفان تا کمک به صدام

با پیروزی انقلاب اسلامی فصل جدیدی در تاریخ ایران اسلامی گشوده شد. در این مقطع نیز بار دیگر آمریکایی‌ها آغاز گردشمنی و خصومت علیه ملت ایران بودند: «بعضی خیال میکنند دشمنی‌هایی که با ما میشود به‌خاطر این است که ما ستیزه‌گری کرده‌ایم؛ ما دائماً انگشت در چشم اینها کرده‌ایم، [لذا] اینها از این جهت با ما دشمنی میکنند؛ نه، این هم خیال غلطی است، تصور غلطی است... ما شروع نکردیم، آنها شروع کردند؛ آنها از همان اول شروع کردند؛ با بدگویی، با تحریم، با طلبکاری، با پناه دادن به دشمن ملت ایران؛ شروع‌کننده آنها بودند.»

• ۱۳۹۵/۳/۲۵ •



«اولین کاری که از طرف آمریکائی‌ها انجام گرفت، تحریک مخالفین پراکنده‌ی جمهوری اسلامی و کمک به حرکت‌های تجزیه طلب و تروریستی در کشور بود؛ از اول این کار را شروع کردند. در هر نقطه‌ای از نقاط کشور که حرکت‌های تجزیه طلب در آنجا زمینه‌ای داشت، انگشت آمریکائی‌ها را ما دیدیم؛ گاهی پول آنها را، و حتی در مواردی عناصر آمریکائی را ما در آنجا دیدیم.» • ۱۳۸۸/۱/۱

✦ آمریکایی‌ها به این بَسَنده نکرده و به «حمایت از کودتایان» علیه انقلاب تازه پیروز شده پرداختند: «در این جا کودتای نظامی راه انداختند. کودتای پایگاه شهید نوژه معروف است، که حتماً شنیده‌اید و شاید اطلاعاتی هم داشته باشید. البته ما در جریان ریز قضا یا بودیم. کودتای نظامی بسیار خطرناکی بود که مقدماتش را هم چیده بودند اما نتوانستند آن را به جایی برسانند.» • ۱۳۸۲/۲/۲۲

✦ چند ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی همچنان سفارت آمریکا در تهران باز بود اما تبدیل به «مرکز جاسوسی و سازماندهی مخالفان انقلاب» شده بود: «سفارتشان در تهران مشغول کار و فعالیت بود. شما ببینید! رفتار این انقلاب و این ملت نجیب و آن امام کریم بزرگوار پر اغماض با آمریکایی‌ها در ایران این گونه بود... [این سفارت] به مرکز سازماندهی مخالفین و دشمنان انقلاب تبدیل شد که بروند آن جا دستور بگیرند و در بیرون، علیه انقلاب و نظام اسلامی همکاری کنند.» • ۱۳۷۳/۸/۱۱

✦ زمان زیادی از تسخیر لانه‌ی جاسوسی آمریکا در تهران نمی‌گذشت که توطئه‌ی بزرگ دیگری کلید خورد: «به صدام چراغ سبز دادند؛ این یک اقدام دیگر دولت آمریکا بود برای حمله‌ی به ایران. صدام اگر چراغ سبز آمریکا را نمی‌گرفت، بعید بود به مرزهای ما حمله کند. هشت سال جنگ را بر کشور ما تحمیل کردند؛ قریب سیصد هزار جوانهای ما، مردم ما در این جنگ به شهادت رسیدند. در طول این هشت سال - بخصوص در سالهای

آخر- همیشه آمریکائی‌ها پشت سر صدام بودند و به او کمک می‌کردند- کمک مالی، کمک تسلیحاتی، کمک کارشناسی سیاسی- خبرهای ماهواره‌ای می‌دادند و امکانات خبررسانی داشتند. تحرک نیروهای ما را در جبهه در ماهواره‌هایشان ثبت می‌کردند، بعد آن را همان شبانه برای قرارگاه‌های صدام می‌فرستادند که از آن‌ها علیه جوانهای ما و نیروهای ما استفاده کند. در مقابل جنایات صدام چشم‌هایشان را بستند... به صدام کمک کردند. این هم یکی از کارهای این دولت بوده است در طول این سالها با ملت ما و با کشور ما.» • ۱۳۸۸/۱/۱

✦ از تحریم تا نفوذ

با پیروزی ایران اسلامی در جنگ تحمیلی و شکست دشمن در رسیدن به اهدافش، فصل جدیدی از توطئه‌گری آغاز شد. با ناکامی آمریکایی‌ها در اقدامات عملی، آنها عرصه‌ی جدیدی در دشمنی با ملت ایران و انقلاب آن گشودند:

«آمریکا بعد از این که سالهایی را در مقابل جمهوری اسلامی و ملت ایران با این روش عمل کرد، به این نتیجه رسید که تقابل عملی کافی نیست و باید در کنار آن، تقابل و تخاصم و مبارزه‌ی نظری را هم شروع کند. معنای تقابل نظری چیست؟ یعنی مبارزه با جمهوری اسلامی در صحنه‌ی اعتقاد و در زمینه‌ی فرهنگ و مسائل اخلاقی. البته قبلاً هم مبارزه‌ی آنها جدی بود؛ منتها احساس کردند باید نقطه‌ی ثقل، این باشد.» • ۱۳۸۲/۲/۲۲

این «تخاصم نظری» در قالب «تهاجم فرهنگی» دنبال شد:

«هدف از این تقابل نظری و حمله‌ی اعتقادی، معلوم و روشن است. نظام جمهوری اسلامی متکی به مردم است و مردم هم با ایمان و روحیه و اعتقاد خود به این نظام علاقه‌مند و دلبسته‌اند و از آن دفاع میکنند؛ این حقیقت در طول این سالها فهمیده شد. اگر این ابزار از دست نظام اسلامی گرفته شود، بدیهی است برای کسی که فکری برای این کشور و این نظام در سردارد، چقدر حائز اهمیت است. لذا دیدیم از همان سالهای هفتاد و سه و هفتاد و چهار

آمریکایی‌ها با ناکام ماندن توطئه‌ی تحریم به قصد در مقابل هم قرار دادن مردم و مسئولان ایران، در مقطع جدید توطئه‌ی «نفوذ» را پیگیری می‌کنند:

«جنگ نرم از نوع دیگر، این است که خیلی خطرناک است، این آن چیزی است که بنده مکرر در مکزیک‌تذکر می‌دهم به مسئولان مختلف و به جهات مختلف؛ و آن عبارت است از نفوذ در مراکز تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری؛ آن عبارت است از نفوذ برای تغییر باورهای مردم؛ آن عبارت است از نفوذ برای تغییر محاسبات.»

۱۳۹۵/۳/۶ •

اتکاء به یک تجربه درست

اکنون سالیان متمادی از پیروزی انقلاب اسلامی گذشته است. جلوگیری از نفوذ و حضور استعماری بیگانگان از جمله اهداف ملت ایران در نهضت اسلامی خود بوده است. دولت آمریکا با روحیه‌ی استکباری و خودبرتربینی حتی لحظه‌ای از دشمنی با ایران اسلامی دست برنداشته است:

«بعضی خیال میکنند اینکه ما بر روی دشمنی آمریکا با ما تکیه میکنیم، ناشی از تعصب است؛ نه، ناشی از شناخت است، ناشی از تجربه است. ما ۳۷ سال است داریم تجربه میکنیم این دشمنی‌ها را. از اوّل انقلاب اینها کمر بستند به دشمنی امام بزرگوار ما و حرکت عظیم او؛ از اوّل انقلاب شروع کردند به توطئه، هنوز هم دارند

میکنند.» ۱۳۹۵/۴/۱۶ •

اما نکته‌ی مهم این است که با مرور این دشمنی‌ها و با نگاهی به تجربیات ملت ایران در طول این سال‌ها بار دیگر ضرورت و حکمت تکیه‌ی برای این «تجربه» نمایان می‌شود:

«یک عده‌ای بمجرد اینکه شعار ضد غربی یا ضد آمریکایی می‌شنوند، فوراً تصورشان این نباشد که یک کار تعصب‌آمیز یا بدون یک منطق فکری دارد انجام میگیرد؛ نه، این نگاه ضد غربی و ضد آمریکایی در انقلاب اسلامی، متکی است به یک تجربه‌ی درست، به یک نگاه عقلانی

درست، به یک محاسبه‌ی صحیح.» ۱۳۹۳/۵/۱ •

روزیه روز این تقابل شدیدتر شد و رخنه‌افکنی در مبانی اعتقادی و ارزشی نظام در سطوح مختلف شروع گردید. حتی در خود انقلاب و حتی در ریشه‌های عمیق تر انقلاب - مانند اسلام، عاشورا، تشیع و جدا نبودن دین از سیاست - که جزو مبانی مسلم فکری در نظر متصدیان انقلاب و روشنفکران کشور و پیشروان این حرکت عظیم بود، شبهه‌افکنی و تردیدافکنی به شکل همه‌جانبه و عمیق شروع شد.» ۱۳۸۲/۲/۲۲ •

هرچند توطئه‌ی نابودی «زیرساخت اعتقادی مردم» و «از بین بردن حمایت مردم از نظام اسلامی» توطئه‌ای پُر قدرت و دامنه‌دار بود اما در این زمینه نیز دشمن نتوانست به هدف نهایی خود دست یابد.

«تحریم» و «جنگ روانی» برای تغییر محاسبات مردم و مسئولان و فلج کردن جمهوری اسلامی، اقدام خصمانه‌ی دیگری از طرف دولت آمریکا علیه ملت ایران بود: «همه‌ی دنیای استکبار و دولتهای مستکبر دست روی دست هم گذاشتند، بلکه ملت ایران را تحریم کنند؛ با این تحریم، ملت ایران را خسته کنند و به ستوه بیاورند. خودشان هم میگویند که ما خواستیم ملت را در مقابل نظام جمهوری اسلامی به ایستادگی وادار کنیم تا مسئولان نظام جمهوری اسلامی محاسباتشان عوض شود!»

۱۳۹۱/۱۰/۱۹ •

اما علی‌رغم تحریم‌های گسترده، روند «پیشرفت‌های مردم و نظام اسلامی» متوقف نشد: «مرحله‌ی دیگری از مقابله و معارضه‌ی آنها، عبارت بود از حمله‌ی نرم. حمله‌ی نرم یک نوعش همین چیزهایی است که مشاهده کردید: تحریم اقتصادی، تبلیغات اغواگر و امثال اینها... به خیال خودشان تحریم‌های فلج‌کننده‌ای را نسبت به جمهوری اسلامی اعمال کردند... میخواستند جمهوری اسلامی را با این تحریم‌ها و با این محاصره‌ی اقتصادی فلج کنند، [ولی] جمهوری اسلامی فلج نشد. در همان دوران تحریم، کارهای بزرگی انجام گرفت.»

۱۳۹۵/۳/۶ •

نتیجه امر

حضرت آیت الله خامنه ای در دیدار مردم
غلط نظام محاسباتی استکبار و مقایسه
مردم قم در سال ۵۶ اشاره کردند و فرم
پیش بینی و تقویم و محاسباتی را نشان
دیگر از مصادیق نتایج اشتباه دستگاه
اطلاع رسانی KHAMENEI.IR در این

۱۳۵۶

رئیس جمهور آمریکا گفت
ایران جزیره ی ثبات است.
یعنی خیالشان از ایران وابسته آسوده است.

۱۳۵۸

سنای آمریکا با تحریم ایران بنا را بر این
گذاشتند که تا ۵، ۶ ماه دیگر انقلاب اسلامی
از بین خواهد رفت.

۱۳۵۶

۱۳۵۷

۱۳۵۸



۱۳۹۷

یکی از دولتمردان
آمریکایی گفت
امیدوار است
که جشن
کریسمس ۲۰۱۹ را
در تهران بگیرد.

۱۳۶۷

منافقین امید داشتند ظرف سه روز
از کرمانشاه خودشان را به تهران
برسانند.

۱۳۵۹

صدام حسین امید
داشت یک هفته ای به
تهران بیاید.

۱۳۹۷

۱۳۹۶

۱۳۹۵

۱۳۹۴

۱۳۹۳

۱۳۹۲

۱۳۹۱

۱۳۹۰

۱۳۸۹

۱۳۸۸

۱۳۸۷

۱۳۸۶

۱۳۸۵

۱۳۸۴

۱۳۸۳

۱۳۸۲

۱۳۸۱

۱۳۸۰

۱۳۷۹

۱۳۷۸

۱۳۷۷

۱۳۷۶

۱۳۷۵

۱۳۷۴

۱۳۷۳

۱۳۷۲

۱۳۷۱

۱۳۷۰

۱۳۶۹

۱۳۶۸

۱۳۶۷

۱۳۶۶

۱۳۶۵

۱۳۶۴

۱۳۶۳

۱۳۶۲

۱۳۶۱

۱۳۶۰

۱۳۵۹



حاسبه کادے!

دم قم (۱۹ دی ۹۷) ضمن تشریح نتائج
آن با نظام محاسباتی توحیدی، به قیام
ودند «قیام مردم قم تقابل دو دستگاه
داد.» ایشان در این بیانات به ذکر برخی
محاسباتی استکبار پرداختند که پایگاه
اطلاع نگاشت آن‌ها را مروری کند.

تحلیلی از راهبرد «دفاع روبه»

دکترین دفاعی ایران آمریکارابه شکست

رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با فرماندهان سپاه در تاریخ ۱۳۹۸/۰۷/۱۰

«امتداد عمق راهبردی» کشور را لازم تر از «واجب ترین واجبات کشور»

دانستند. اما این گزاره متکی به چه عقبه‌ی نظری و مستندات است؟ اثر

چنین حضوری در تأمین امنیت ملی ایران و دفع خطرات و توطئه‌های



❖ تصور کنید آمریکا در لبنان پایگاه نظامی داشت و مقاومت حزب الله وجود نداشت؛

❖ تصور کنید آمریکا در عراق پس از نبرد میدانی ۲۰۰۳ به پیروزی نهایی رسیده بود و مقاومت داخلی در عراق بر ضد اشغالگری شکل نگرفته بود؛

❖ تصور کنید آمریکا در جنگ هفت ساله‌ی سوریه غلبه کرده بود و اینک حکومتی متحد غرب و صهیونیسم در آنجا حاکم بود و داعش و دیگر گروه‌های تروریستی هم مجال فعالیت و توسعه‌ی ارضی داشتند؛

❖ تصور کنید آمریکا در افغانستان و همچنین به مدد سعودی‌ها در یمن به پیروزی رسیده بود؛

❖ در آن صورت وضعیت امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران چگونه بود؟ آیا تا به حال جنگ مستقیم آمریکا علیه ایران عملیاتی نشده بود؟ موارد فوق فقط بخشی از طرح‌های نظامی آمریکا برای تسلط بر منطقه و تهدید قدرت و سپس موجودیت جمهوری اسلامی ایران بوده است.

❖ اگر ایران یا متحدین ایران در این عرصه‌ها فعال نبودند بدون شک آمریکا در منطقه هژمون نظامی مطلق بود. تلفات و عقب‌نشینی نظامی آمریکا از لبنان در ۱۹۸۴ در دوره‌ی قدرت فائقه‌ی آمریکا در عصر ریگان، اخراج و شکست نظامی آمریکا در عراق در دوره‌ی دکترین نومحافظه‌کاری آمریکا در زمان جورج بوش پدر، ناکامی در سوریه در دوران اوباما و ترامپ، همه ناشی از «قدرت ایران در منطقه» بوده است. آمریکا در یک جنگ پیروز شد و آن جنگ خلیج فارس ۱۹۹۱ ضد صدام بود. دکترین نظامی صدام صرفاً محدود به جغرافیای خود بود و با اولین برخورد نظامی درهم شکست.

سه جلوی جمهوری اسلامی»؛

ران چگونه برنامه های ست کشانید؟

دشمن چیست؟ آقای دکتر محمد جمشیدی عضو هیئت علمی دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و تحلیل گرا رشد مسائل بین الملل در یادداشت ذیل به بررسی ابعاد و نتایج دکترین راهبردی جمهوری اسلامی و سیاست دفاعی ایران پرداخته و به سوالات فوق پاسخ داده است:

➔ شکست های راهبردی آمریکا در منطقه نتیجه ی سیاست های ترکیه یا روسیه نبوده است بلکه این ایران و «محور مقاومت» است که آن را به شکست کشانده است بدون اینکه آسیبی متوجه ایران شود. منطق این موفقیت هاریشه در «دکترین راهبردی جمهوری اسلامی» دارد که سیاست دفاعی آن صرفا دفاع از سرزمین خود نیست بلکه ایجاد و بسط «هویت مقاومتی فرامذهبی» در جغرافیای منطقه است. تحولات خاورمیانه زمینه های این هویت یابی را روز به روز بیشتر ایجاد می کند. پس روند راهبردی تحولات جاری به نفع قدرت فرابنده ی انقلاب اسلامی است و آمریکا و متحدانش نیز متوجهی این امر شده اند و به دنبال الگوگیری به نفع خود (مثل طرح ناکام ناتوی عربی) یا خشکاندن این پیوندها از طریق تحریم هستند.

➔ بیانات رهبر انقلاب در جمع فرماندهان سپاه حاوی یک جهش چشمگیر در تثبیت قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی بود که بدون تردید دکترین جدید دفاعی جمهوری اسلامی در گام دوم انقلاب محسوب می شود؛ «نگاه وسیع به جغرافیای مقاومت»، «نگاه وسیع فرامرزی»، «قناعت نکردن به منطقه خودمان» و «امتداد عمق راهبردی» کلیدواژه های راهبردی ای هستند که هر کس اندکی از سیاست بین الملل بداند متوجهی معانی و الزامات آن می شود.

➔ ویژگی های دفاع رو به جلوی ایران تا به حال در حد و اندازه ی تبدیل شدن ایران به یک بازیگر منطقه ای فعال بوده است؛ اکنون این نتیجه بدست آمده و دشمن به دنبال جلوگیری از تثبیت و نهادینه شدن این وضعیت است. اقتضای دکترین جدید راهبردی انقلاب اسلامی این است که فراتر از تثبیت این قدرت در منطقه ی خود، به دنبال تقویت نقشش در ایجاد همان الگوی موفق باشیم که انقلاب اسلامی را تا به این مرحله از قدرت رسانده است.

تأملی بر اظهار نظر فوکویاما
در باب پایان تاریخ

آغازی بر یک پایان

قرن بیستم به خصوص پس از جنگ‌های بین‌الملل اول و دوم، محمل شکل‌گیری اندیشه‌های گوناگون در باب پایان تاریخ بود. از جمله‌ی افرادی که در این زمینه سخن گفته‌اند، «فرانسیس فوکویاما» نظریه‌پرداز و ایدئولوگ آمریکایی است. رهبر انقلاب در بیاناتی به مناسبت سالروز تسخیر لانه‌ی جاسوسی در تاریخ ۱۳۹۷/۰۸/۱۲، اشاره‌ای کوتاه به سخنان او مبنی بر تجدید نظرش درباره‌ی پایان تاریخ داشتند. در این یادداشت، ضمن مرور زمینه‌های تاریخی و فکری طرح نظریه‌ی «پایان تاریخ»، دلایل این تجدید نظر را تحلیل و بررسی می‌کنیم.

طرح بحث

«پایان تاریخ و آخرین انسان» عنوان کتابی از فوکویاما است که در سال ۱۹۹۲ میلادی منتشر شد و در آن به طرح ایده‌ی خود درباره‌ی پایان تاریخ با غلبه‌ی لیبرال دموکراسی به عنوان بهترین نظام سیاسی ممکن پرداخت که در نهایت تمامی تلاش‌ها و مبارزات ایدئولوژیک در سطح جهانی در قالب این ایدئولوژی سر برآورده است و همه‌ی نظام‌های سیاسی در جهت تبدیل به یک نظام لیبرال دموکرات حرکت خواهند کرد.

اما فوکویاما چندی پیش با حضور در برنامه‌ی تلویزیونی «HARDtalk» شبکه‌ی بی‌بی‌سی و در بخشی از گفته‌های خود عنوان کرده که «من فکر نمی‌کنم جهت تاریخ هنوز هم به سمت لیبرال دموکراسی باشد. دموکراسی بسیار شکننده است و آنچه من در این ۲۵ سال به آن رسیده‌ام این است که ایجاد نهادهای دموکراتیک بسیار دشوار است به خصوص حکومت‌های دموکراتیکی که بتوانند بدون فساد اداری و مالی به مردم خدمات بدهند؛ این گونه نظام‌ها در دنیا بسیار نادر هستند...»

هر چند او معترف به خروج تاریخ از مسیر حرکت به سوی لیبرال دموکراسی است اما از لحن آکنده از افسوس او برمی‌آید که هنوز در طلب چنین پایانی برای تاریخ است. این امر حکایت از آن دارد که نظریه‌ی او را بیش از آنکه بتوان صورتی از احیای یک فلسفه‌ی نظری تاریخ دانست باید تفسیری ایدئولوژیک از سیر تاریخ قلمداد کرد که البته به مدد تفسیری خاص از فلسفه‌ی تاریخ هگل موجه شده است. در حالی که بسیاری از متفکران پست مدرن، بدبینی پنهان در قرن بیستم را عمیق و بنیادین می‌دانستند اما او از خوش بینی نسبت به نظریه‌های کلی تاریخ دست نکشید. فوکویاما همچنان در جستجوی معنا، غایت و جهت کلی تاریخ بود. او در این کاوش سعی کرده تا دریابد آیا تحول جهانی روی به سوی لیبرال دموکراسی داشته و در نهایت با آن پایان می‌یابد یا خیر.

زمینه‌های تاریخی و اندیشه‌ای «نظریه پایان تاریخ»

نظریه‌ی فوکویاما اساساً با پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی - به عنوان اصلی‌ترین رقیب جهانی بلوک غرب به رهبری آمریکا - صورت محقق می‌یابد. حتی چند سال پیش از این رخداد و در اواخر جنگ سرد نیز کاهش تنش میان شوروی و آمریکا و در طرحی مشابه میان چین و آمریکا، امکان تبدیل مارکسیسم به عنوان جناح چپ تجدد به نیرویی علیه لیبرال دموکراسی خنثی شده بود. اما به هر حال با زوال کمونیسم، فوکویاما عملاً بدیل معتبری را در مقابل لیبرال دموکراسی به رسمیت نمی‌شناخت. در اینجا سخن او مبنی بر لیبرال دموکراسی به مثابه‌ی پایان تاریخ تنها ناظر به شکست ایدئولوژی‌های سکولار در برابر لیبرال دموکراسی نیست بلکه از نظر او هرگونه ایدئولوژی یا نیروی تاریخی دینی نیز یاری مقاومت در برابر آن را ندارد. نقطه‌ی ثقل دعوی او سازوکار علم طبیعی مدرن است. علی‌رغم اینکه فوکویاما سازوکارهای علوم طبیعی مدرن و تکنولوژی را پدیدآورنده‌ی یک جهت‌گیری ضروری و بی‌بازگشت برای تاریخ جهان می‌داند که تصرف و تمتع انسان از طبیعت را ممکن کرده، اما از نظر او این سیر لزوماً به لیبرال دموکراسی ختم نخواهد شد. در طول چند سده‌ی اخیر، ملل گوناگون در سطح جهان و در مقاطع مختلف بنا به این ضرورت تاریخی وارد مسیر بهره‌برداری از علوم طبیعی و تکنولوژی خصوصاً برای دستیابی به توانایی نظامی شدند، اما به طور مثال در هیچ یک از ملل شرقی و کمونیستی، لیبرال دموکراسی تحقق نیافت.



«معنویت سیاسی» در انقلاب ایران
نامیده بود، حس می‌کند.

اما مسئله اینجاست که این طرح تازه، زمانی می‌تواند به بقای خود زیر فشارهای بیرونی امیدوار باشد که تلاشی تا پای جان برای به رسمیت شناخته شدن خویش را ادامه دهد و این میسر نخواهد شد مگر از مسیر روایت هویت جمهوری اسلامی؛ موضوعی که رهبرانقلاب به دقت آن را «تبیین نظریه‌ی مقاومت» نام نهادند.

طرح مسئله‌ی پایان تاریخ بلافاصله پس از فروپاشی شوروی از سوی فوکویاما به این دلیل است که از نظر او مهم‌ترین مانع تحقق لیبرال دموکراسی از میان برداشته شده و از این رو آمریکا این فرصت را دارد تا با جمع میان لیبرالیسم اقتصادی و سیاسی، دولت جهانی را برپا کند.

♦ «ناتوانی آمریکا» و خروج تاریخ از مسیر تحقق لیبرال دموکراسی

نکته‌ی مهم این‌که به دلیل مواردی که هم در درون نظریه‌ی فوکویاما وجود دارد و هم مواردی که نظریه‌ی او از آن‌ها غفلت نموده، نه تنها جهان در سطح فرهنگی به سمت یکسان‌سازی نرفت بلکه واگرایی‌های مختلف، زمینه‌ساز ظهور تکثرهای متعددی گشته است. دلیل ناقص و درونی نظریه‌ی فوکویاما وضع تاریخی خود آمریکا است که با غلبه‌ی لیبرالیسم اقتصادی و بازار آزاد، این معیار «میزان انباشت سرمایه» است که تعیین‌کننده‌ی شأن اجتماعی افراد است. قبول این معیار و گسترش تدریجی شکاف طبقاتی ناشی از رقابت - که لزوماً در شرایط سالمی رخ نداده - طبقه‌ای از ابرسرمایه‌داران را با فاصله‌ی بسیار از دیگر طبقات پدید آورده که در طول دهه‌ها با استفاده از قدرت و ثروت، آرام آرام بر سیطره‌ی خویش بر سیاست آمریکا در جهت حفظ و افزایش منافع خویش، نحوی از دموکراسی کنترل شده را خلق کرده‌اند؛ مسئله‌ای که از اساس، امکان تحقق لیبرال دموکراسی مدنظر فوکویاما را از میان برده است. روی کار آمدن ترامپ و تشدید گرایش‌های ملی‌گرایانه یا نژادپرستانه، آزمونی است که آمریکا را در برابر ادعای بین‌المللی‌گرایی، مدیریت جهانی و ایجاد فرصت‌های برابر برای مردم جهان و حتی جامعه‌ی متکثر آمریکایی قرار داده است.

اما از جمله دلایل بیرونی، بحران‌های معرفت‌شناسانه‌ای است که به واسطه‌ی ظهور اندیشه‌ی مابعدتجددی به نحوی بنیادین اعتبار عام عقلانیت و علم مدرن را ویران کرده است. با این رخداد است که فرهنگ‌های گوناگون، امکان به رسمیت شناخته شدن یافته‌اند و نه تنها تاریخ واحد جهانی مبتنی بر عقلانیت مدرن به تاریخ خاص غربی محدود می‌شود، بلکه امکان ظهور تاریخ‌ها در افق آینده پدیدار می‌شود.

تکثرات فرهنگی و ظهور تاریخ‌های موازی به معنی نضج گرفتن آشکال تازه‌ای از بازشناسی هویتی است؛ بازشناسی‌هایی هویتی که به دلیل برتری‌طلبی گفتمان تجدد، امکان ابراز وجود نیافته بودند. فوکویاما خود در مقاله‌ای با عنوان «آیا تاریخ مجدداً آغاز شده است؟» یکی از این بازشناسی‌های هویتی را برجسته نموده و به نحو مشخص به اسلام ایران اشاره می‌کند. اذعان او به خروج تاریخ از مسیر تحقق لیبرال دموکراسی از پی ناتوانی آمریکا در این امر و همچنین تأکید بر سیاست‌های بازتوزیع ثروت، نشان از خطری است که او از جانب آنچه فوکوآن را

آن کسانی که گرایش به این دارند که
بیخودی نقشه بی اساس و بی پایه میکش

افول

نشانه های افول آمریکا از ن



مخالفت مردم دنیا
با اغلب تصمیم های آمریکا



ناتوانی آمریکا در اثرگذاری
بر استقلال طلبی جوان ایرانی



مخالفت دولتهای مختلف
با تصمیم های آمریکا

• چین

• اروپا

• روسیه

• هند

• آفریقا

• آمریکای لاتین



افول قدرت نرم

قدرت نرم یعنی یک دولتی بتواند خواسته
خود را به اطراف بقبولاند و آنها را اقناع کند.



عقیده جامعه شناسان دنیا
بر فرسوده شدن قدرت نرم آمریکا



برویم با آمریکایی ها سازش کنیم

سند، آمریکا رو به افول است. ۱۳۹۷/۰۸/۱۲



افسرده و مرد شدن
نیروی انسانی نظامی آمریکا



استفاده از سازمانهای جنایت کار
برای اجرای نقشه های خود



شکست آمریکا در عراق، سوریه،
لبنان، پاکستان و افغانستان



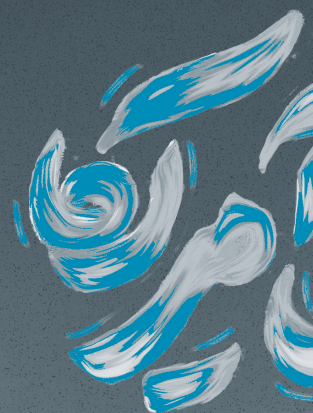
۷ تریلیون دلار
خرج در منطقه غرب آسیا



۱۵ تریلیون دلار
بدهکاری آمریکا



۸۰۰ میلیارد دلار
کسر بودجه ی آمریکا



مظربه رانقلاب اسلامی



افول قدرت سخت

قدرت سخت به معنی قدرت
نظامی گری و قدرت اقتصاد است.

آخرین توصیه‌ی رهبر انقلاب اسلامی به شهید آیت الله حکیم

در مقابل آمریکا

مبادا کوتاه بیاید!



سید شهید آل حکیم، یکی از شاخص‌ترین دلباختگان امام و انقلاب و نزدیک‌ترین یاران حضرت آیت الله خامنه‌ای در طول دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود. آیت الله سید محمد باقر حکیم، که «شهادت» در خاندانشان «موروثی» بود، پس از سال‌ها مجاهدت در راه اعتلای اسلام و مبارزه با حزب بعث و استکبار آمریکا، در هفتم شهریورماه ۱۳۸۲ شمسی در مجاورت حرم امیرالمومنین علی بن ابی طالب (علیه السلام)، در حالی که تنها یکصد و چند روز از بازگشت او به میهن می‌گذشت، به «دست گنهکار و پلید مزدوران استکبار» به شهادت رسید. در متن پیش رو خاطره‌ای از حجت الاسلام والمسلمین مروی درباره‌ی واپسین گفتگوی حضرت آیت الله خامنه‌ای و شهید حکیم را مرور می‌کنیم.

که یک روزی مورد استفاده‌شان قرار می‌گرفت. دیدند امروز دیگر به اصطلاح تاریخ مصرفش تمام شده آن را کنار انداختند. مبادا آمریکا را به عنوان دوست خودتان در آنجا بدانید. جلوی آمریکا بایستید و از عزت و استقلال کشور خودتان دفاع کنید.

آقای حکیم- خدا رحمتشان کند- گفتند: آقا! من از این اطمینان خاطر و آرامش شما در تعجبم. آمریکا کنار گوش شما است. این طرف در عراق و آن طرف در افغانستان دارد این جور فتنه‌گری می‌کند. آن وقت شما این قدر آرام هستید و به ما هم توصیه می‌کنید که مرعوب آمریکا نباشیم؟!

رهبر انقلاب فرمودند: می‌دانی این اطمینان خاطر ما از چیست؟ ما توکل‌مان به خدا زیاد است. همین به ما آرامش، اطمینان و شجاعت می‌دهد که در مقابل آمریکا از عزت، استقلال و عظمت این مردم، نظام و انقلاب دفاع کنیم و سر تعظیم فرود نیاوریم.»

«ایامی که صدام سرنگون شده بود و آیت الله سید محمد باقر حکیم قرار بود به نجف بروند، تنهایی برای خدا حافظی خدمت رهبر معظم انقلاب رسیدند. می‌خواستند که اگر آقا رهنمود و فرمایشی دارند استفاده کنند. آقا درباره‌ی فضای عراق و اینکه با مردم چه طور ارتباط بگیرید، با علما و مراجع چه جور تعاملی داشته باشید توصیه‌های خوبی به آقای حکیم فرمودند. درباره‌ی مسائل خارجی و رابطه با آمریکا هم گفتند مبادا در مقابل آمریکا کوتاه بیاید. مبادا با آمریکا رفیق بشوید. نکند دست توی دست آمریکا بگذارید. مبادا آمریکا را دوست خودتان بدانید. آمریکا دشمن اسلام، دشمن شیعه و دشمن کشورهای اسلامی است. این هم که به عراق آمدند، نه اینکه برای نجات مردم عراق باشد، آمریکا دلش برای مردم نسوخته است، اینها به علت همان اهداف استعماری جهان‌خواهی که دارند به عراق آمده‌اند. امروز صدام را مانع برنامه‌های خودشان دیدند، در حالی

❖ میخواستند حرکت تسخیر لانه را خنثی کنند

گرفتند و گرفتند و گرفتند و ملت ایران ایستاد و رهبر این حرکت عظیم هم شخص امام بزرگوار بود. بنده در جزئیات وقایع آن روز قرار داشتم؛ همان روزها مکرر به لانه‌ی جاسوسی رفته‌ام، آمده‌ام، نشسته‌ایم، صحبت کرده‌ایم، با جوانهایی که آنجا بودند، با دیگران، در شورای انقلاب - که آن وقت ما عضو شورای انقلاب بودیم - میدانم که چه تحرکاتی از گوشه و کنار انجام میگرفت برای خنثی کردن این حرکت؛ اما امام ایستاد. عزیزان من! قضیه‌ی آمریکا این است.»

• بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۵/۰۸/۱۲

«حرکت دانشجویان برای تسخیر سفارت، واکنش به این همه خباثت بود که پیروزمندانه اتفاق افتاد؛ یعنی جلوی تحرک ابرقدرت پُروزی زیاده‌خواه آمریکا را در داخل کشور گرفت؛ انقلاب یعنی این. آن ابرقدرتی که عادت کرده بود ۲۵ سال، ۳۰ سال هرچه اراده میکند در ایران اتفاق بیفتد و انجام بدهد، انجام میدهد و ایران مال او است، متعلق به او است، دولتش، حکومتش، پادشاهش، نفتش، ذخایرش، معادنش، آینده‌اش، همه چیزش مال او است و حالا از دستش گرفته شده بود و درصدد تهاجم بود، دید جوانها جلوی این تهاجم را

❖ ضدیت امام با آمریکا از سال ۴۲

و علیه کشور در داخل انجام میگردد، آمریکا است؛ این را فهمیدند. امام بزرگوار ما در سال ۴۲، در اوایل شروع نهضت اسلامی فرمود: رئیس جمهور آمریکا مبعوض ترین افراد امروز در ایران است.^(۱) این معنا را القا کرد به افکار عمومی؛ تبیین کرد برای مردم که هرچه هست زیر سر آمریکا است؛ شرارتها زیر سر آمریکا است. خب، این مبارزه به نتیجه رسید.»

• بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۴/۰۸/۱۲

(۱) صحیفه‌ی امام، ج ۱، ص ۴۲؛ سخنرانی در جمع مردم (۱۳۴۳/۸/۴)

«خدای متعال تفضل کرد، رهبری امام بزرگوار را به این ملت به عنوان یک موهبت بزرگ داد، امام بزرگوار ملت را آگاه کرد، بصیرت بخشید، سختی‌ها را خودش تحمل کرد، زندان رفت، تبعید شد، دست برنداشت؛ بتدریج این آگاهی و بصیرت همه‌گیر شد، تا در سالهای ۵۶ و ۵۷ به شکل یک حرکت عمومی در میان ملت ایران درآمد. این حرکت هدفش و آماج حمله‌اش فقط دستگاه سلطنت نبود، آمریکا هم بود. ملت میفهمیدند، میدانستند که پشت سر این جنایاتی که دارد علیه آنها

❖ از آمریکا می‌ترسید؟

آمریکا می‌ترسید؟ گفتیم نه. گفتند پس بروید اقدام کنید. ما هم آمدیم اقدام کردیم و موفق شدیم. اگر ترس آمد، اگر طمع آمد، اگر غفلت آمد، اگر گرایشهای انحرافی پا در میان گذاشت، کارها مشکل خواهد شد.

• بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی اساتید

دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری اسلامی ۱۳۹۱/۰۹/۲۱

اوایل انقلاب، سی و یکی دو سال قبل از این، در یک قضیه‌ی بسیار مهمی، من و دو نفر دیگر که آن روز عضو شورای انقلاب بودیم، از تهران رفتیم قم خدمت امام - امام آن وقت هنوز در قم بودند، تهران نیامده بودند - تا نظر ایشان را نسبت به آن قضیه و اقدام مهم بپرسیم. وقتی قضیه را برای ایشان شرح دادیم، امام رو کردند به ما، گفتند از

هر فرد یا جریانی که به آمریکا اعتماد کرد، خطای بزرگی مرتکب شده و سیلی اش را خواهد خورد؛ کما اینکه خوردند. در همین چند سال اخیر برخی جریان‌های اسلامی با آمریکایی‌ها رفیق شدند، می‌گفتند این حرکت تاکتیکی است! به آن‌ها اعتماد کردند، چوبش را خوردند و حالا دارند مصیبت‌هایش را تحمل می‌کنند.

فریب‌نجات

مؤسسه پژوهشی فرهنگی



و ترجمه و نشر آن در حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای مد ظله العالی.

